

بررسی ابعاد شخصیتی و زیارتنامه حضرت احمد بن موسی شاه چراغ^(ع)

محمد نجفی بزرگوار^۱

چکیده

زیارت در میان شیعیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و می‌توان از طریق زیارت، طلب قرب به خداوند را درخواست نمود و با استعانت از اهل بیت^(ع) امامزادگان^(ع) و بزرگان به این مطلوب نائل شد. زیارت دارای دو رکن اساسی است، یکی از آنها اثبات شخصیت معنوی مزور بدون در نظر گرفتن انتسابات نسبی اش و دومی صحت انتساب آن شخصیت به مرقد مطهر اوست. سومین حرم (بعد از حرم امام رضا^(ع) و حضرت معصومه^(س)) از جهت اهمیت در ایران امامزاده شاه‌چراغ شیراز است که مورد توجه خیل مشتاقان آل الله گردیده است از همین روی بسیاری به دنبال شناخت ابعاد شخصیتی و معرفتی احمد بن موسی^(ع) هستند. این نوشتار با بررسی روایات و اسناد منتسب به شاه‌چراغ سعی در شناخت این امامزاده بزرگوار داشته است. بعد از شناخت صفات برجسته احمد بن موسی^(ع) بررسی صحت انتساب مرقد مطهرشان به ایشان دومین نتیجه حاصل از این پژوهش است. خواندن زیارتنامه امامزادگان وسیله ارتباط ما با آنها و درخواست حوائج خویش است از همین روی دقتی در زیارتنامه جناب احمد بن موسی^(ع) انجام گرفت.

واژگان کلیدی: احمد بن موسی^(ع)، زیارتنامه، اهل بیت^(ع)، موسی بن جعفر^(ع)، علی بن موسی الرضا^(ع)

مقدمه

احمد بن موسی الکاظم^(ع) ملقب به شاهچراغ یکی از سی و هفت فرزند امام کاظم^(ع) و برادر علی بن موسی الرضا^(ع) بود. مادرش امّ احمد مورد احترام جناب موسی بن جعفر^(ع) قرار داشت. بعد از دعوت مأمون از امام رضا^(ع) برای ولایت عهدی، ایشان به طوس رجعت نمودند. احمد به همراه جمعی از شیعیان به قصد زیارت علی بن موسی الرضا^(ع) به سمت خراسان حرکت کردند. هنگامی که مأمون از این خبر آگاه شد به حاکم شیراز قتلغ خان دستور داد تا از حرکت احمد و شیعیان همراهش که جمعیتشان رو به فزونی گذاشته بود خودداری کند. در محلی به نام خان زینان در هشت فرسخی شیراز جنگی بین احمد و قتلغ خان در گرفت. قتلغ خان خبر شهادت امام رضا^(ع) را به همراهان احمد داد و همین امر مایه پراکندگی یاران و تنها ماندن ایشان شد. او به جانب شیراز گریخت و در محلی که مقبره فعلی ایشان است به طرز ناجوانمردانه‌ای به شهادت رسید. در نقلی دیگر احمد در گوشه‌ای از شهر پنهان می‌گردد و به عبادت می‌پردازد تا آجلش فرا می‌رسد. کسی به محل دفن او مطلع نبود تا اینکه در زمان امیر مقرب الدین مسعود بن بدر الدین که از وزراء مقرب اتابک ابی بکر بن سعد بن زنگی بود در محل مرقد احمد بن موسی^(ع) جسدی صحیح و سالم پیدا کردند که در انگشتی دستش نوشته بود: «العزة لله احمد بن موسی» ابی بکر دستور داد بر فراز قبر او قبه‌ای بنا کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۸، ص: ۳۰۹) تاریخ شهادتش را بین سالهای ۲۲۰ ° ۲۲۳ ذکر کرده‌اند. (استرآبادی، ۱۳۷۷، ش، ص ۵۹۱) برای یک زائر معرفت مزور شرط اساسی یک زیارت است همچنان که ابی نصر بزنطی در حدیثی می‌گوید: «در کتاب ابی الحسن الرضا (ع) خواندم که به شیعیان من برسانید زیارت من برابر است نزد خدای عز و جل با هزار حج گوید به امام نهم گفتم هزار حج، فرمود آری بخدا هزار هزار حجه است برای کسی که او را با معرفت زیارت کند» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۵) به همین خاطر در این نوشتار در پی معرفت به امامزاده احمد بن موسی^(ع) هستیم. محمد بن موسی^(ع) و حسین بن موسی^(ع) دیگر برادران احمد بن موسی^(ع) هستند که در شیراز مدفون‌اند که در این مقاله به آنان پرداخته نمی‌شود و تمرکز بر روی احمد بن موسی^(ع) است.

۱- پیشینه تحقیق

اکثر محققانی که در مورد جناب احمد بن موسی^(ع) زحمت تحقیق را متحمل شده‌اند در زمینه سیر زندگانی آن بزرگوار احادیثی را آورده‌اند و به ماجرای زیارت و شهادت ایشان اشاره کرده‌اند. از آن جمله کتاب آفتاب شیراز از محمد جواد مهری کرمانشاهی، کتاب چلچراغ شیراز از جلیل عرفان منش که به بررسی قیام شاهچراغ و برادران امام رضا^(ع) می‌پردازد، رساله آثار الاحمدیه از سید جلال الدین محمد حسینی ذهبی متخلص به قدسی که به بررسی کرامات جناب شاهچراغ می‌پردازد، کتاب محبان اهل

بیت (ع) از محمد حسین رستگار که به کرامات و شفایافتگان حضرت ایشان می‌پردازد، مقاله‌نگاهی به بقعه شاهچراغ در شیراز از سید صفر رجبی که بررسی مدفن و چگونگی پیدا شدن پیکر احمد بن موسی (ع) می‌پردازد و مقاله شاهچراغ از جواد آیت‌اللهی و...

اما امتیاز این پژوهش بررسی ابعاد شخصیتی احمد بن موسی (ع) از منابع دست اول است که بجای پرداختن به سیر زندگانی و یا حرکت این امامزاده بزرگوار به جایگاه ایشان در نظر اهل بیت (ع) پرداخته است. بررسی اسناد احادیثی که شخصیت این امامزاده بزرگوار را تبیین می‌کنند از ویژگیهای این اثر است.

۲- فرزندان امام موسی بن جعفر (ع)

در تعداد فرزندان امام موسی بن جعفر (ع) اختلاف است. ابن شهر آشوب اولاد آن حضرت را سی نفر و صاحب عمدة الطالب تعداد آنها را شصت تن که سی و هفت دختر و بیست و سه پسر باشد نام برده‌اند. (قمی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۳۱) شیخ مفید (ع) در ارشاد فرزندان حضرت موسی بن جعفر (ع) را سی و هفت فرزند پسر و دختر معرفی کرده‌اند. آنها عبارتند از: ۱- علی بن موسی الرضا علیهم السلام ۲- ابراهیم ۳- عباس ۴- قاسم که مادرهای ایشان ام ولد بودند ۵- اسماعیل ۶- جعفر ۷- هارون ۸- حسن که مادرشان نیز ام ولد بود ۹- احمد ۱۰- محمد ۱۱- حمزه که اینان نیز مادرشان ام ولد بود ۱۲- عبد الله ۱۳- اسحاق ۱۴- عبید الله ۱۵- زید ۱۶- حسن ۱۷- فضل ۱۸- حسین ۱۹- سلیمان که اینان هر کدام یا هر چند تن از یک زن ام ولد بوده‌اند ۲۰- فاطمه کبری ۲۱- فاطمه صغری ۲۲- رقیه ۲۳- حلیمه ۲۴- ام ابیها ۲۵- رقیه صغری ۲۶- ام جعفر ۲۷- لبابة ۲۸- زینب ۲۹- خدیجه ۳۰- علیة ۳۱- آمنة ۳۲- حسنة ۳۳- بریهه ۳۴- عایشة ۳۵- ام سلمة ۳۶- میمونة ۳۷- ام کلثوم که مادرهای اینان نیز ام ولد بوده‌اند و در میان فرزندان آن حضرت از همه برتر و در قدر و منزلت والاتر و دانشمندتر، و در فضل و کمال جامع‌تر حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیهم السلام بوده است. (مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص: ۲۳۷)

۳- صفات برجسته جناب احمد بن موسی (ع)

شیخ مفید (ع) صفات برجسته‌ای را برای احمد بن موسی (ع) نقل می‌کند: «و کان أحمد بن موسی کریماً جلیلاً کبیراً ورعاً» (مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص: ۲۴۵) اما کریم به کسی می‌گویند که شرافتی در اخلاقش است (ابن فارس، هزار و سیصد و هشتاد و پنج ق، ج ۵، ص: ۱۷۲) و جامع انواع خیر و شرف و فضائل را نیز دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص: ۵۱۰) و جلیل به کسی می‌گویند که دارای عظمت و شکوه باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۲، ص: ۱۰۱) و کبیر در مقابل صغیر است و به کسی که سنش یا فضیلتش بیش از دیگران باشد به او کبیر

می‌گویند و فرق کبیر با سید آن است که سید کسی است که تدبیر یک قوم را به عهده می‌گیرد ولی کبیر شخص میانسال یا دارای فضیلت است (همان مدرک، ج ۱۰، ص: ۱۶-۱۷). صفت ورع به معنای عفت و خودداری از امور ناشایسته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص: ۱۰۰) این اوصاف در مورد حضرت احمد بن موسی^(ع) نشان می‌دهد ایشان دارای صفات حسنه و فضائل بوده‌اند که زبان زد بوده و البته این اوصاف نشان از بزرگی سنی ایشان در میان فرزندان حضرت امام کاظم^(ع) یا بزرگی نسبی ایشان نسبت به برخی از فرزندان آن حضرت می‌دهد.

یکی از نشانه‌های تقوی و ورع در جناب احمد بن موسی^(ع) رجوع مردم به ایشان بعد از شهادت حضرت موسی بن جعفر^(ع) است چرا که مردم برای امامت شیعیان ابتدا با ایشان بیعت کردند و سپس ایشان با بیعت با علی بن موسی الرضا^(ع) مردم را به بیعت با امام رضا^(ع) آگاه ساختند. (خسروی، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۷۵)

۴- احمد بن موسی^(ع) از دیدگاه علماء رجال

شیخ حرّ عاملی به نقل از شیخ مفید در کتاب ارشاد با عبارت: «أثنی علیه المفید فی إرشاده» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۵) ثناگویی شیخ مفید^(ع) از احمد بن موسی^(ع) را دلیل بر ثقه بودن او ذکر می‌کند. (حرّ عاملی، ۱۳۸۵، ص ۵۸) در منتهی المقال علاوه بر برشمردن صفات کتاب ارشاد، لقب سید السادات را برای او می‌آورد (مازندرانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص: ۳۵۵) و از مستوفی در نزهة القلوب و شیخ یوسف بحرانی به تصریح نقل می‌کند که شاه چراغ معروف در زمان ما همین احمد بن موسی^(ع) است و همچنین از وجیزه نقل می‌کند احمد بن موسی کاظم^(ع) مدح شده است. (همان مدرک، ج ۱، ص: ۳۵۶)

سید بحر العلوم همچون دیگر علماء متن ارشاد شیخ مفید^(ع) را می‌آورند که دلالت بر توثیق و جلالت شخصیت احمد بن موسی^(ع) است (بحر العلوم، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص: ۱۱۴) همچنین او در پاورقی، قبر معروف به شاه چراغ در شیراز را منسوب به او می‌داند و برای سخنش به کتب علماء ارجاع می‌دهد.^۱ و نیز آیت الله خوئی در معجم الرجال خویش به ارشاد اسناد می‌دهند. (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص: ۱۳۹)

۵- جایگاه احمد^(ع) نزد موسی بن جعفر^(ع)

امام کاظم^(ع) نسبت به احمد^(ع) پسرشان محبت داشتند «کان أبوه موسی کاظم یحبّه و وهب له ضیعة الیسیریة» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲ ص ۲۴۴) و اگر نبود محبتی از جانب احمد^(ع) نسبت به پدر بزرگوارشان، محبتی از جانب امام کاظم^(ع) نیز نمی‌بود زیرا در روایتی شریف حسن بن جهم از امام رضا علیه السّلام پرسید:

۱- سید محمد علی الروضاتی ترجمه مفصلة- مع ذکر أعبابه و تعیین مدفنه و أنه بشیراز- و هو القبر المعروف بقبر (شاه چراغ) فی کتابه (جامع الأنساب: ج ۱ ص ۷۲- ص ۸۱).

می‌خواهم بدانم نزد شما چگونه هستم فرمود: بنگر مرا چگونه به حساب می‌آوری؟ (طبرسی، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۱۲) محبت امام کاظم^(ع) نسبت به فرزندان به گونه‌ای بروز و ظهور یافت که امام^(ع) مزرعه خود را (معروف به سبیره) به احمد^(ع) بخشید. (مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۳۷) امام صادق^(ع) سه چیز را مایه ایجاد محبت معرفی نمودند: دینداری، فروتنی و بخشندگی. (حرانی، ۱۳۸۲ ش، ص ۵۶۹) امام کاظم^(ع) با این بخشش محبت خویش را به این فرزندان نشان دادند.

در کافی به سند «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ» حدیثی از امام رضا^(ع) نقل شده است که مدرک سخن شیخ مفید^(ه) در بخشیدن سبیره به احمد بن موسی^(ع) را مشخص می‌سازد. در سلسله سند برخی به محمد بن خالد ایراد گرفته‌اند به طور مثال نجاشی او را ضعیف می‌داند «کان محمد ضعیفا فی الحدیث» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۳۵) و دلیلش را حلی از زبان ابن غضائری می‌آورد که او مولی جریر بن عبد الله بوده و این شخص از اشخاص ضعیف حدیث نقل می‌کرده و بر احادیث مرسل اعتماد داشته است: «قال ابن الغضائری إنه مولی جریر بن عبد الله حدیثه یعرف و ینکر و یروی عن الضعفاء و یعتمد المراسیل» (حلی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۳۹) البته شیخ طوسی^(ه) محمد بن خالد را توثیق می‌کند (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ص ۳۶۳) و به همین دلیل علامه حلی بر قول شیخ طوسی^(ه) اعتماد کرده و توثیق ایشان را بر سخن نجاشی برتری می‌دهند: «الاعتماد عندی علی قول الشیخ اَبی جعفر الطوسی ره من تعدیله» در نهایت حدیث بر طبق سخن شیخ طوسی صحیح است.

اما ترجمه حدیث: «به ابو الحسن الرضا^(ع) گفتم: آیا انسان می‌تواند برخی از فرزندان خود را بیشتر دوست بدارد و یا بعضی از آنها را بر دیگران مقدم بدارد؟ ابو الحسن گفت: آری؛ جدم ابو عبد الله صادق به فرزندش محمد دیباج، عطیه‌ای پیشکش فرموده بود، و پدرم ابو الحسن به فرزندش احمد، آبادی «یسیره» را عطا کرده بود که من به کفالت آن همت گماشتم تا موقعی که در اختیار خودش نهادم. من گفتم: قربانت شوم. روا هست که انسان دخترانش را بیش از پسرانش دوست بدارد؟ ابو الحسن الرضا گفت: فرقی نمی‌کند که انسان دخترانش را بیشتر دوست بدارد یا پسرانش را؛ به هر مقیاسی که خداوند - عز و جل - مهر فرزند را در دل انسان جای دهد، به او محبت می‌ورزد». (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۵، ص ۲۰۵)

نوع بخشش از دیباج یا سبیره نسبت به محمد و احمد در متن حدیث نیست و مترجم مصداق آن را احتمالاً از متن ارشاد به دست آورده‌اند. متن اصلی: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ بَعْضُ وُلْدِهِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ بَعْضٍ وَ يَقْدَمُ بَعْضُ وُلْدِهِ عَلَى بَعْضٍ فَقَالَ نَعَمْ فَمَا فَعَلَ ذَلِكَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع نَحَلَ مُحَمَّدًا وَ فَعَلَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ ع نَحَلَ أَحْمَدَ شَيْئًا فَقُمْتُ أَنَا بِهِ حَتَّى حُرِّتُهُ لَهُ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ الرَّجُلُ يَكُونُ بَنَاتُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ بَنِيهِ فَقَالَ الْبَنَاتُ وَ الْبَنُونَ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ إِنَّمَا هُوَ بِقَدْرِ مَا يُنْزِلُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۵۱) عبارت شیناً برای بخشش امام موسی کاظم^(ع) نسبت به احمد فرزندان به کار رفته است.

روایتی دیگر میزان توجه حضرت امام کاظم^(ع) به احمد^(ع) را مشخص می‌سازد زیرا حضرت بسیار مراقب فرزندان بوده‌اند و لحظه‌ای احمد را از نظر خود غائب نمی‌نمودند. در سند حدیث شیخ مفید^(۶) از حسن بن محمد و او از جدش و جدش از اسماعیل پسر امام کاظم^(ع) نقل می‌کند و اعتماد شیخ بر حسن بن محمد نشان از وثاقت این شخص دارد هر چند در کتب رجال چیزی در مورد این شخص موجود نیست.

متن حدیث: «أَخْبَرَنِي الشَّرِيفُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا جَدِّي قَالَ سَمِعْتُ إِسْمَاعِيلَ بْنَ مُوسَى يَقُولُ خَرَجَ أَبِي يَوْلِدِهِ إِلَى بَعْضِ أَمْوَالِهِ بِالْمَدِينَةِ وَأَسْمَى ذَلِكَ الْمَالَ إِلَّا أَنَّ أَبَا الْحُسَيْنِ يَحْيَى نَسِيَ الْإِسْمَ قَالَ فَكُنَّا فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَكَانَ مَعَ أَحْمَدَ بْنَ مُوسَى عَشْرُونَ مِنْ خَدَمِ أَبِي وَحَشَمِهِ إِنْ قَامَ أَحْمَدُ قَامُوا مَعَهُ وَإِنْ جَلَسَ جَلَسُوا مَعَهُ وَأَبِي بَعْدَ ذَلِكَ يَرِغَاةَ بَبَصْرِهِ مَا يَغْفُلُ عَنْهُ فَمَا انْقَلَبْنَا حَتَّى انْشَجَّ أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى بَيْنَنَا» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص: ۲۴۵)

ترجمه: حسن بن محمد بن یحیی برای من حدیث کرد از جدش که گفت: شنیدم از اسماعیل فرزند حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام که میگفت: پدرم با فرزندان خود از مدینه بسوی برخی از املاک خود بیرون رفت و اسماعیل نام آن ملک را برد ولی یحیی (جد حسن بن محمد راوی حدیث) نام آن را فراموش کرد، اسماعیل گوید: ما در آنجا بودیم و با احمد بن موسی بیست تن از خدم و حشم پدرم بودند که اگر احمد برمی‌خاست آنان با او برمی‌خاستند، و اگر احمد به جایی می‌نشست آنان نیز با او می‌نشستند (و خلاصه بفرمان و پیرو او بودند) و از آن گذشته پدرم نیز پیوسته نظرش به او بود و از او غفلت نداشت، و ما از آنجا بازنگشتیم تا هنگامی که احمد از میان ما کوچ کرد و برفت آنگاه ما نیز از آنجا رفتیم. (مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص: ۲۳۷)

اما انتهای متن درست ترجمه نشده است زیرا عبارت: «فَمَا انْقَلَبْنَا حَتَّى انْشَجَّ أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى بَيْنَنَا» به کوچ کردن معنی شده است در حالی که انشج به وارد شدن ضربه به سر و جراحت آن می‌گویند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۱۲) یا خصوص سر شکستن (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۴). همچنان که برخی ترجمه‌ها به این مطلب دقت داشته‌اند «با آن همه که غلامان پدرم مواظب بودند باز هم پدر بزرگوام دقیقه‌ای از وی غفلت نمی‌کرد در عین حال از آن محل خارج نشدیم مگر اینکه از میان همه ما تصادفاً سر او شکست» (مفید، ۱۳۸۰ ش، ص: ۵۸۹) این روایت نشان می‌دهد با آنکه امام کاظم^(ع) نسبت به احمد^(ع) توجه زیادی داشتند و با آن که خادمی همراه او بودند و مراقبت از او داشتند باز هم برای او اتفاق شکسته شدن سر روی داده است که نشان از اهمیّت احمد^(ع) نزد پدر دارد.

۶-اعتماد امام کاظم^(ع) به احمد بن موسی^(ع)

یکی از شواهدی که نشان می‌دهد امام کاظم^(ع) به احمد^(ع) پسرشان اعتماد داشته‌اند آوردن نام ایشان در وصیتشان و صدور اجازه مشروط برای تصرف در اموال و صدقات و سرپرستی فرزندانشان برای احمد^(ع)

است. البته این اجازه مشروط بود زیرا وصی اصلی علی بن موسی الرضا^(ع) بوده و ایشان اجازه داشتند تصمیمات بقیه را که امام کاظم^(ع) به آنها اجازه داده بودند کنار بگذارند و تصمیم صحیح را اتخاذ کنند که همین امر مایه اختلاف عباس دیگر فرزند امام کاظم^(ع) با امام رضا^(ع) شد (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص: ۳۷) اما احمد^(ع) به این مسئله تن داد و آن را پذیرفت.

سند روایت وصیت امام کاظم^(ع) در دو نسخه کافی (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۱۶) و عیون اخبار الرضا (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص ۳۴) متفاوت آمده است. سند کافی عبارت است از: «أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي الْحَكَمِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيُّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ سَلَيْطٍ قَالَ: لَمَّا أَوْصَى أَبُو إِبْرَاهِيمَ...» در این سند محمد بن علی أبو سمینة قرار گرفته است که نجاشی او را فاسد الاعتقاد و دارای ضعف شدید ذکر کرده (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۳۳) و او کسی است که در کوفه شهرت به کذب پیدا کرد و به قم آمد و احمد بن محمد بن عیسی او را از قم اخراج کرد (حلی، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۳) پس با توجه به سند این حدیث نمی‌توان به این روایت اعتماد کرد و وصایت علی بن موسی الرضا^(ع) و اعتماد بر جناب احمد بن موسی^(ع) را از این حدیث اثبات نمود اما سند عیون عبارت است از: «حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الصُّهْبَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَجَّالِ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْجَعْفَرِيَّ حَدَّثَهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ..»

إِبْرَاهِيمَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْجَعْفَرِيَّ: توثیقی برایش ذکر نشده است: «و إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ لَمْ يَرِدْ فِيهِمَا تَوْثِيقٌ وَ اللَّهُ الْعَالِمُ». (خوئی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۳) عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَجَّالِ: ثقة است «ثقة ثقة ثبت». (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۲۲۶ و حلی، ۱۴۱۷، ص ۱۰۵) مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الصُّهْبَانَ: «ثقة». (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۱ و حلی، ۱۴۱۷، ص ۱۴۲) أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ: نیز ثقة است: «كان ثقة فقيها في أصحابنا كثير الحديث صحيح الرواية» (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۹۲) وَ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ: نسبت به امام رضا^(ع) و همچنین نسبت به فرزندشان احمد در مورد اجازه تصرف در اموال درست نقل شده است. شاهد مورد نظر در متن حدیث: «أَوْصَيْتُ بِهَا إِلَى عَلِيِّ ابْنِي وَ بَنِي بَعْدَهُ مَعَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَإِنْ آتَسَ مِنْهُمْ رُشْدًا وَ أَحَبَّ إِفْرَارَهُمْ فَذَاكَ لَهُ وَ إِنْ كَرِهَهُمْ وَ أَحَبَّ أَنْ يُخْرِجَهُمْ فَذَاكَ لَهُ وَ لَا أَمْرَ لَهُمْ مَعَهُ وَ أَوْصَيْتُ إِلَيْهِ بِصَدَقَاتِي وَ أَمْوَالِي وَ صِبْيَانِي الَّذِي خَلَّفْتُ وَ وُلْدِي وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ الْعَبَّاسِ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ أَحْمَدَ وَ أُمَّ أَحْمَدَ وَ إِلَى عَلِيٍّ أَمْرُ نِسَائِي دُونَهُمْ...» (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص ۳۴)

۷- بخشندگی حضرت احمد بن موسی^(ع)

شیخ مفید^(ع) در ارشاد عبارت: «وَ يُقَالُ إِنَّ أَحْمَدَ بْنَ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۲۴۴) را در مورد احمد بن موسی^(ع) می‌آورند که حکایت از آزاد کردن هزار بنده توسط احمد بن موسی^(ع) دارد. ثواب آزاد کردن بنده به اندازه‌ای است که حضرت رسول خدا^(ص) فرمودند: هر کس بنده

مسلمان (چه مرد، چه زن) را آزاد کند خداوند به اندازه هر عضو از آنها عضوی از او را در مقابل آتش جهنم محفوظ می‌دارد. (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۳۰۱) و احمد بن موسی^(ع) با تأسی به حضرت علی^(ع) این کار را انجام دادند زیرا حضرت علی^(ع) اوّل کسی بودند که با دست رنج خویش هزار بنده را خریدند و آزاد نمودند. (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۲؛ ص ۳۰۲ و کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۴، ص: ۲۴۱)

۸- نقش محوری احمد بن موسی در تثبیت جایگاه امامت امام رضا^(ع)

در بحار الانوار ماجرای مربوط به دادن امانتی از جانب موسی بن جعفر^(ع) به امّ احمد که امام بسیار به او احترام می‌گذاشتند نقل شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۸، ص: ۳۰۸) در این ماجرا امام کاظم^(ع) به امّ احمد می‌گویند کسی که این امانت‌ها را از تو بگیرد امام بر حقّ است و در آن زمان من از دنیا رفته ام. امام موسی کاظم^(ع) وصیتی نیز داشته‌اند که نه نفر را بر آن شاهد می‌گیرند پس امانت‌ها غیر از وصیت حضرت کاظم^(ع) بوده است و امام به دنبال آن بودند تا بهانه جویی‌های بعد از شهادتش را از بین ببرند تا جای هیچ‌گونه شبهه‌ای برای امامت علی بن موسی الرضا^(ع) باقی نماند. اما ماجرای که بعد از شهادت ایشان پیش آمد می‌توانست انحراف عظیمی در میان شیعیان ایجاد کند زیرا مردم با احمد بن موسی^(ع) بیعت کردند ولی او بیعت را به امام رضا^(ع) برگرداند. شرح ما وقع:

«امّ احمد از زنان بسیار محترم بود و حضرت موسی ابن جعفر^(ع) به او خیلی علاقه داشت وقتی از مدینه به بغداد رفت، امانت‌های امامت را به او سپرده فرمود؛ هر کس در هر موقع آمد و این امانت‌ها را از تو خواست بدان من از دنیا رفته‌ام و او جانشین من است و امامی است که اطاعتش واجب است بر تو و سایر مردم. به حضرت رضا^(ع) دستور داد که از خانه نگهداری کند. وقتی هارون او را در بغداد مسموم کرد حضرت رضا^(ع) از امّ احمد امانت‌ها را خواست. ام احمد گفت وای پدرت شهید شد؟ فرمود: آری اکنون از دفن او فارغ شدم آن امانتهائی که پدرم موقع رفتن به بغداد در اختیار گذاشت بیاور من جانشین او و امام به حق بر جنّ و انس هستم. امّ احمد گریبان چاک زده امانت‌ها را تحویل داد و با آن جناب به امامت بیعت کرد.

وقتی خبر شهادت موسی بن جعفر^(ع) در مدینه منتشر شد اهالی مدینه به در خانه امّ احمد آمدند. احمد با آنها به طرف مسجد رفت چون خیلی با جلال و عابد و پارسا و با فضل بود و کراماتی نیز داشت مردم خیال کردند خلیفه و جانشین پدرش اوست پس با او به امامت بیعت کردند از آنها بیعت گرفت بعد بر فراز منبر رفت و خطبه‌ای در نهایت بلاغت و فصاحت ایراد کرد آنگاه گفت: مردم! همان طور که اکنون همه شما با من بیعت کردید و بیعت من بگردن شما است من نیز با برادرم علی بن موسی الرضا^(ع) بیعت کرده‌ام بدانید او امام و خلیفه پیغمبر است بعد از پدرم. او ولی الله است که اطاعتش بر من و شما از جانب خدا و پیغمبر واجب است هر دستوری بما بدهد. تمام حاضرین گفتار او را با جان و دل پذیرفتند از مسجد

خارج شدند پیشرو آنها احمد بن موسی بود به در خانه حضرت رضا آمدند با علی بن موسی الرضا (ع) تجدید بیعت کردند. حضرت رضا (ع) برای احمد دعا کرد و او پیوسته ملازم خدمت برادر بود تا اینکه مأمون از پی حضرت رضا فرستاد و او را برای ولایت عهد به مرو دعوت کرد. « (خسروی، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۷۵)

۹- تکریم شخصیت احمد بن موسی (ع) با زیارت ایشان

بر طبق حدیثی از امام صادق (ع) از مکان‌های نزول رحمت الهی بیوت انبیاء، رسل، حکماء و ائمه هدی (ع) است به طوری که هر کسی به ریسمان ایمان دست زند نجات پیدا می‌کند: «فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ هِيَ بُيُوتَاتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ وَ الْحُكَمَاءِ وَ أئِمَّةِ الْهُدَى فَهَذَا بَيَانُ عُرْوَةِ الْإِيمَانِ الَّتِي نَجَا بِهَا مَنْ نَجَا قَبْلَكُمْ وَ بِهَا يَنْجُو مَنْ يَتَّبِعُ الْأئِمَّةَ» (کلینی ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۱۱۳)

مرحوم مجلسی (ه) از شیخ مفید (ه) استحباب زیارت مشاهد مشرفه را ذکر می‌فرمایند و تعظیم آنها را تعظیم ائمه (ع) بیان می‌دارند البته برای این زیارت قید انتساب را می‌آورند اما اصل را بر ایمان و صلاح آنان قرار می‌دهند الا کسانی که این دو شرط از آنان به طور یقینی سلب شده باشد و مثال به جعفر کذاب می‌زنند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۹، ص ۲۷۴)

شیخ عباس قمی زیارت قبور امامزادگان را مستحب می‌داند و برای زیارت قبور آنان دو شرط ذکر می‌کنند: «اول جلال قدر و عظمت شأن صاحب آن مرقد علاوه بر شرافت نسب [او] که از کتب احادیث و انساب و تواریخ معلوم می‌شود. دوم معلوم بودن قبر آن سیّد جلیل و صحّت نسبت قبر به او و جمع بین این دو بسیار کم است» (قمی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹۴ و قمی، ۱۳۸۳ ش، ص ۴۴۱) خود ایشان در موارد نام بردن از امام زادگان عظیم الشأن از جناب احمد بن موسی (ع) نام می‌برند که در نظر ایشان دو شرط مذکور برای ایشان ثابت بوده است: «و مانند جمله‌ای از اولاد حضرت امام موسی کاظم ع مثل سیّد جلیل القدر و الشأن احمد معروف به شاهچراغ که در داخل شهر شیراز مدفون و در ظاهر نیز از جهت قبه و صحن و ضریح و خدمه و موقوفات تعظیم و احترام تمام دارد» (قمی، ۱۳۸۳ ش، ص ۴۴۳)

مرحوم مجلسی (ه) دو ماجرا از شهادت و رحلت احمد بن موسی (ع) را ذکر می‌کنند که در هر دو نقل مقبره احمد بن موسی (ع) در شیراز بوده است. در نقل شهادت، ایشان توسط قتلغ خان حاکم وقت شیراز شهید می‌گردند و در نقل رحلت قبر ایشان به گونه‌ای بوده که تا زمان امیر مقرب الدین مسعود بن بدر الدین که از وزراء مقرب اتابک ابی بکر بن سعد بن زنگی بوده، مشخص نبوده است. او مشغول تعمیر در محل مرقد احمد بن موسی بوده که ناگاه جسدی صحیح و تغییر نیافته پیدا کرده که در انگشتش انگشتی داشته و نوشته بوده: «العزة لله احمد بن موسی» پس او جریان را به گوش ابی بکر رسانده و او بر فراز قبر او قبه‌ای بنا کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۸، ص: ۳۰۹) البته مجلسی (ه) احتمال دیگری را در مورد قبر جناب

احمد بن موسی^(ع) مطرح می‌نمایند که برخی گفته‌اند مرقدش در بلخ است اما خودشان این احتمال را ضعیف می‌دانند زیرا شاهی برای این ادعا مطرح نمی‌نمایند: «ربما ينقل عن بعض أن مشهد السيد أحمد المذكور في بلخ والله العالم»

۱۰- در کیفیت زیارت احمد بن موسی^(ع)

علّامه مجلسی در مورد زیارت امام زادگان^(ع) می‌فرمایند، زیارت بخصوصی برای هر کدام نداریم و می‌توانیم از زیارت وارده سایر مؤمنین استفاده کنیم و آنها را با خطباتی تخصیص بزنیم و طلب فضل و توسل و شفاعت از آنها و پدرانشان داشته باشیم. (همان مدرک، ج ۹۹، ص ۲۷۸) به همین خاطر در زیارت حضرتشان شاهد عباراتی هستیم که تمام احادیث پیرامون ایشان که دارای ویژگیهایشان است با خطباتی به ایشان متوجه می‌گردد مانند: «السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى يُحِبُّهُ وَيَقْدِّمُهُ وَبِضِيعَةِ الْمَوْسُومَةِ بِالْبَيْسِرَةِ يُعِيشُهُ وَيَنْعَمُهُ وَبِعَشْرِينَ مِنْ خَدَمِهِ وَحَشَمِهِ يُكْرِمُهُ وَيَعْظُمُهُ وَبَعْدَ ذَلِكَ بِبَصْرِهِ يَرَعَاهُ وَيَحْفَظُهُ مَا يَغْفُلُ عَنْهُ، وَ...»^(۴)

سید بن طاوس برای زیارت قبور اولاد ائمه^(ص) زیارتی را ذکر می‌فرمایند که با این عبارات آغاز می‌گردد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الرَّكِيُّ الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ وَالِدَاعِي الْحَفِيُّ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَلْتُمْ حَقًّا وَنَطَقْتُمْ حَقًّا وَدَعَوْتُمْ إِلَى مَوْلَايَ وَ مَوْلَاكَ عَلَانِيَةً وَ سِرًّا...» (همان مدرک، ج ۹۹، ص ۲۷۳) و همچنین زیارت دیگری که با عبارات زیر آغاز می‌گردد: «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيَّ جَدِّكَ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِيكَ الْمُتَرْضَى الرَّضَا السَّلَامُ عَلَيَّ السَّيِّدِينَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ السَّلَامُ» (همان مدرک) را ذکر می‌فرمایند. از آنجا که این دو زیارتنامه دارای نصی از معصومین^(ع) است بهتر است در هنگام زیارت این دو زیارت خوانده شود هر چند بر طبق سخن مجلسی^(ع) می‌توان امامزادگان را با خطباتی صحیح مورد توجه قرار داد.

۱۱- نتیجه گیری

از بیانات گذشته مشخص گشت برای زیارت لازم است شخصیت مزور را بشناسیم و سپس با آگاهی از ویژگیهای ایمانی او و نه صرفاً بر اساس انتساب نسبی اش به زیارتش برویم. بعد از بررسی روایات و اسناد آنها، امام زاده احمد بن موسی^(ع) دارای شخصیتی والا و گرمای شناخته شد به طوری که دارای صفات برجسته ایمانی است تا آنجا که امام موسی بن جعفر^(ع) او را دوست می‌داشت و به او اعتماد داشت. نقش بی بدیل احمد بن موسی^(ع) در تثبیت امامت امام رضا^(ع) در برابر انحرافی که در حال شکل گیری بود نشان از ارادت و معرفت ایشان نسبت به مقام امامت دارد.

۱- ترجمه: سلام بر آنکه ابو حسن موسی دوستش داشت و او بر همگان مقدم می‌داشت و با مزرعه‌ی خود به نام (بیسیره) او را گرمی و به سر نشاط می‌آورد و با بیست تن از خدمتکاران و همراهان تکریم و تجلیل می‌کرد و با نگاهش مواظبت و از او غافل نمی‌گشت.

اثبات استناد مقبره موجود در شیراز به احمد بن موسی (ع) از زبان بزرگانی مانند مرحوم مجلسی (ه) و شیخ عباس قمی (و) جای هر گونه شکّی را بر طرف می‌سازد. یقیناً زیارت امام زادگان و ارج نهادن به مقام آنان در تکریم جایگاه آنان و قرب به حضرات معصومین (ع) نقشی اساسی دارد. هر چند برای زیارتنامه احمد بن موسی (ع) و بسیاری از امام زادگان دیگر نصّ بخصوصی وارد نشده است اما با بررسی به عمل آمده جواز استفاده از الفاظ حاکی از احترام و عظمت همراه با خطاب نسبت به آن گرامیان برداشت می‌گردد. سید بن طاووس (و) نیز دو زیارتنامه برای امام زادگان ذکر کرده‌اند که نصوصی قابل توجه است و می‌توان در بسیاری از امام زادگان از آن دو برای تقرّب استفاده کرد.

منابع:

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ ش). الأملی (الصدوق)، مترجم: کمره ای، محمد باقر، چاپ ششم، تهران، کتابچی.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵ ق). دعائم اسلام، محقق / مصحح: فیضی، آصف. چاپ دوم، قم، مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
۳. ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة، محقق / مصحح: هارون، عبد السلام محمد. چاپ اول. قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین. چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۵. استرآبادی، میرزا مهدی خان (ش ۱۳۷۷). جهانگشای نادری، محقق، مصحح: انوار، سید عبد الله. چاپ اول. تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۶. بروجردی، سید مهدی بحر العلوم (۱۴۰۵ ه ق). الفوائد الرجالیة (للسید بحر العلوم). محقق / مصحح: محمد صادق بحر العلوم - حسین بحر العلوم، چاپ اول. تهران - ایران، مکتبه الصادق.
۷. حرّانی، ابو محمد، (۱۳۸۲ ش). تحف العقول. ترجمه: حسن زاده، چاپ اول. صادق، قم، انتشارات آل علی علیه السلام.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵). الرجال. محقق: فاضلی، علی، قم، ایران، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۹. حلّی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (۱۴۱۷ ق)، خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال، قم، مؤسسه نشر الفقاهة.
۱۰. خسروی، موسی (۱۳۷۷ ش)، زندگانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، چاپ دوم. تهران، اسلامیه.
۱۱. خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۳۷۲)، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، قم، ایران.
۱۲. صدوق، (۱۳۷۸ ق) عیون أخبار الرضا علیه السلام. چاپ اول. تهران، نشر جهان.
۱۳. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۴ ش)، مشکاة الانوار، ترجمه: عطاردی، عزیز الله. چاپ اول. تهران، عطارد.
۱۴. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵ ش) مجمع البحرین، محقق / مصحح: حسینی اشکوری، احمد. چاپ

سوم. تهران، مرتضوی.

۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۳ ش) رجال الطوسی، محقق / مصحح: قیومی اصفهانی، جواد. چاپ سوم. قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسه.

۱۶. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ ق)، کتاب العين. چاپ دوم. قم، نشر هجرت.

۱۷. قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۲) کلیات مفاتیح الجنان، مترجم: الهی قمشه ای. چاپ اول. قم، مؤمنین.

۱۸. _____، (۱۳۸۳ ش) هدیه الزائرین و بهجة الناظرین. چاپ اول. قم، مؤسسه جهانی سبطين.

۱۹. _____، (۱۳۸۴) منتهی الآمال (دو جلدی). چاپ دوم. تهران، باقر العلوم، پیام.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ ش). گزیده کافی. بهبودی، محمد باقر. چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۱. _____ (۱۴۰۷ ق)، کافی (ط-ا اسلامیة)، غفاری علی اکبر و آخوندی. محمد. چاپ چهارم. تهران، دار الکتب اسلامیة.

۲۲. مازندرانی، محمد بن اسماعیل حائری (۱۴۱۶ هـ ق)، منتهی المقال فی أحوال الرجال، محقق / مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام چاپ اول. قم- ایران.

۲۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار (ط- بیروت)، محقق / مصحح: جمعی از محققان بیروت، چاپ دوم. دار إحياء التراث العربی.

۲۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. چاپ اول. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ ق)، ارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. چاپ اول. قم، کنگره شیخ مفید.

۲۶. _____، (۱۳۸۰) ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، سیدهاشم. چاپ دوم. تهران، اسلامیة.

۲۷. _____، (۱۳۸۰ ش) ارشاد، ترجمه ساعدی خراسانی، محمد باقر. چاپ اول. تهران، اسلامیة.

۲۸. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ ش). رجال النجاشی. چاپ ششم. قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسين بقم المشرفه.